

یک طلبه باید جامع تمام علوم دینی باشد تا بازدهی بیشتری داشته باشد یا متخصص در یک گرایش؟

در زمانه کنونی باید پذیرفت که یک روحانی وارث تمام وظایف پیامبر اسلام نیست. بلکه وظایف سنگین انبیا بر دوش نهاد بزرگ روحانیت است و هر فرد در این سازمان بزرگ باید متناسب با دانش، توان و مهارت های خود متعهد انجام بخشی از این رسالت گسترده باشد.

این کلام نغز از شیخ بهاءالدین عاملی که از نوابغ علمای شیعه در طول تاریخ است مشهور است که پیوسته می‌گفت: «من بر کسانی که متخصص در همه فنون هستند غلبه کردم اما همواره متخصصان در یک فن بر من غلبه کرده‌اند.

حتی در امر تبلیغ که یکی از رسالت های طلاب از میان صدها وظیفه بزرگ و کوچک است نیز تخصص یک ضرورت است. کسی نمی‌تواند هم توان فعالیت فرهنگی در دانشگاه را داشته باشد، هم در روستا، هم در شهر، هم در زندان، هم در کودکان، هم در اینترنت، هم برای زنان، هم برای ایرانیان، هم برای کشورهای خارجی (آسیایی، اروپایی، آفریقایی و...)، هم به صورت مکتوب، هم به صورت کلامی، هم به صورت تصویر و نمایش و شیوه‌های نوین هنری، هم... و سخن محکم و قالب متناسب تحویل دهد! وجود چنین پدیده‌ای واقعا دیدنی و اعجاب آمیز است. گویا این آبر انسان‌ها تنها در عالم اوهام و فیلم‌های تخیلی پدید آمده‌اند!

اگر بخواهیم مثالی بزنیم تا مطلب واضحتر شود باید بگوییم برای ساختن یک بنا هرگز لازم نیست همه کارگران همه کاره باشند بلکه اگر هر یک از آنان تنها یک هنر داشته باشد از دو جهت بهتر است؛ یکی افزایش کیفیت کار و دوم کوتاه شدن زمان آموزش و الحاق یک نیروی عملیاتی به این پروژه ساختمانی.

بنابراین تخصص‌گرایی یک ضرورت اجتماعی و مقتضای تقسیم کار و توزیع نقش‌ها است که با پیچیده شدن بافت جوامع و افزایش نیازها، دانش‌ها و مهارت‌ها روز به روز بدیهی‌تر می‌گردد و مقتضیات خود را به انسان‌ها بیشتر تحمیل می‌کند.

ضرورت مهارت آموزی در یک گرایش تخصصی از گرایشات مختلف طلبگی برای پاسخگویی به نیازهای روز جامعه یک اصل اجتناب ناپذیر و یک راه حل مسلم برای رغم زدن آینده روشن طلبگی و به تبع آن هدایت صحیح جامعه و پاسخ به نیازهای دینی آنان از طریق ابزار روز است.

طلبه اگر مسئولیتی در قبال اجتماع نداشته باشد از مطالعه انواع کتاب‌ها و آشنایی با دانش‌ها و مهارت‌های مختلف بسیار احساس رضایت می‌کند و خوش خواهد بود، اما اگر بنا باشد خدمتی ارائه کند لازم است در یک زمینه متمرکز شود یعنی توان و فرصت خود را بدان معطوف دارد و آن را با همه وجود دریابد.

بنابراین برنامه آموزشی و تربیتی طلاب همواره مشترک نیست و مسئولان آموزشی و پرورشی حوزه نباید اصرار داشته باشند که الگوهای مشابه و یکسانی از طلاب پدید آورند؛ زیرا از آنان نقش‌ها و کارکردهای متفاوت انتظار می‌رود و آمادگی‌های مختلفی باید در آنها فراهم آمده باشد.

با توجه به اینکه مأموریت طلبه فعالیت فرهنگی است، یعنی طلبه از خود آثار فرهنگی به جای می‌گذارد طبعاً تخصص طلبه نیز تخصص فرهنگی است. هر اثر فرهنگی چنانچه پیش‌تر نیز گفتیم دارای سه بعد مخاطب، قالب و محتوا است. یعنی طلبه می‌کوشد محتوای معینی را در قالب خاصی به مخاطبی عرضه کند. بدون این سه بُعد هیچ اثر فرهنگی قابلیت تحقق ندارد. به یک لحاظ می‌توان تخصص‌های فرهنگی را از این سه زاویه برش داد. می‌توان کسی را فرض کرد که تخصص در محتوای خاصی (مانند مهدویت، زن یا اخلاق) دارد یا کسی که برای مخاطب خاصی (مانند جوانان، کودکان یا دانشجویان) به صورت تخصصی می‌تواند آثاری عرضه کند یا کسی که در استفاده از قالب مشخصی (همچون نشریه، سخنرانی یا مناظره) تخصص

دارد و آثار ویژه‌ای خلق می‌کند.

اقتباس از راه و رسم طلبگی دفتر ۵ ص ۷

مشاهده سایر مقالات مرتبط با طلبگی کلیک نمایید.

برای مشاهده دیگر مقالات رشته شناسی کلیک کنید